

**دوشنبه 22 بهمن 1397-6 جمادی الثانی 1440-11 فوریه 2019**

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سقوط رژیم 2500 ساله شاهنشاهی (1357ش)



پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سقوط رژیم 2500 ساله شاهنشاهی (1357ش) از هفدهم تا 22 بهمن 57، ایران یکی از دوران‌های استثنایی تاریخ سیاسی جهان را گذرانید. در این ایام، دو دولت در یک مرکز و بدون هیچ گونه مرزبندی مواجه بودند. دولتی که پشتوانه و عامل مشروعیت خود را از دست داده و از قدرت نظامی محروم گشته و با انقلابی عظیم روبرو بود. و دولتی دیگر متکی به رهبری انقلاب توده‌های میلیونی مردم که به جای قدرت نظامی، تنها به ارتش مردم وابستگی داشت. با وسعت یافتن دامنه‌های انقلاب، قرار بر این شد که سران ارتش رژیم پهلوی، دست به کودتا زده و با به دست گرفتن قدرت، انقلاب مردمی را سرکوب سازند. از این رو از ساعت چهار بعدازظهر روز 21 بهمن 57، حکومت نظامی اعلام شد. پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی(ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هریک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگر بندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز سرنوشت فرارسید و در 22 بهمن 1357، نظام پوسیده ستمشاهی فروریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سیاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شد. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی(ره) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام 2500 شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.

رحلت فقیه جلیل، آیت الله "حسین نجفی اهری" (1345 ش)

آیت الله شیخ حسین نجفی اهری در سال 1244 ش (1282 ق) در شهرستان اهر به دنیا آمد و پس از فراگیری قرآن و مقدمات علوم حوزوی، راهی تبریز شد. وی پس از اقامت نه ساله در تبریز، رهسپار نجف اشرف گردید و مدت 35 سال، از محضر آیات عظام: سید محمدکاظم یزدی و... به کسب علم مشغول بود. ایشان در جریان نهضت اسلامی ایران و پس از دستگیری امام خمینی(ره) پس از وقایع 15 خرداد 1342، به همراه دیگر علمای تهران و شهرستان‌ها راهی شهر ری گردید و خواهان آزادی آن حضرت شد. از این فقیه بزرگوار کتب متعددی بر جای مانده که شرح رسائل، شرح مکاسب، شجره طوبی و کتابی در ردّ بهائیت و گری از آن جمله‌اند. همچنین ایشان در سال‌های اقامت در نجف اشرف کتاب حقیقه‌الاحباب را به نگارش درآورد که مورد تایید مرجع تقلید وقت، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت. آیت الله نجفی اهری سرانجام در 22 بهمن 1345 ش برابر با اول ذی‌قعدة 1386 ق در صد و یک سالگی بدرود حیات گفت و پس از انتقال پیکرش به قم، در این شهر به خاک سپرده شد.

عملیات کوچک فتح 4 توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (1365ش)

مرحله اول عملیات پارتیزانی فتح 4 در بامداد بیست و دوم بهمن 1365 با رمز مبارک "یاالله" آغاز شد. در این عملیات نیروهای ویژه سپاه پاسداران به همراه تعدادی از کردهای مخالف رژیم بعث، پس از ده‌ها کیلومتر پیاده‌روی و عبور از کوهستان‌های صعب‌العبور، خود را به منطقه عملیاتی اربیل عراق رسانده و تاسیسات اقتصادی و نظامی عراق را در این منطقه کوبیدند. رزمندگان اسلام در ادامه این عملیات علاوه بر انهدام تاسیسات چند شهر اطراف و یک گردان دشمن، موفق شدند خود را به پادگان رواندوز رسانده و آن را با تمام امکانات موجودش به آتش بکشند. در مرحله دوم عملیات فتح 4، نیروهای اسلام پس از عبور از کوهستان‌های مرتفع در عمق 70 کیلومتری خاک عراق، با شلیک بی‌امان موشک‌های آریبی و جی، تعداد زیادی از تانک‌ها و نفربرهای دشمن را به آتش کشیدند. در نهایت، این عملیات با انهدام چندین واحد نظامی، اقتصادی، دولتی، امنیتی و موتورهای دشمن و کشته و زخمی شدن بیش از 1100 نفر از نیروهای بعث پایان یافت.

درگذشت "ابوطالب مکی" از مشاهیر صوفیه (386 ق)

محمد بن علی بن عقیله عجمی در اصل ایرانی بود، ولی به دلیل اقامتش در مکه، به ابوطالب مکی شهرت یافته است.

وي، زمان طولاني ترك طعام كرد و تنها از گياهان تغذيه نمود. در اثر همين كار مشاعرش را از دست داد و پوست بدنش سبز شد. ابن عطيه&rlm; ي عجمي در علم حديث و طريقت به خدمت بسياري از مشايخ رسیده بود، ليكن به دليل روي گرداندن از طعام و رياضت كشيدن، قواي عقلي خود را از دست داد به طوري كه در مناير بغداد و بصره، سخنان خلاف شرع به زبان مي&rlm; آورد. از آثار وي مي&rlm;توان كتاب: قَوْتُ القُتُوبِ فِي مُعَامِلَةِ المَحْبُوبِ رانام برد.

تولد "توماس آلوآ اديسون" مخترع نابغه امريكايي (1847م)

تولد "توماس آلوآ اديسون" مخترع نابغه امريكايي (1847م)

توماس آلوآ اديسون مخترع معروف امريكايي در 11 فوريه 1847م در ايالت اوهايو در امريكا به دنيا آمد. وي تنها سه ماه براي تحصيل به مدرسه رفت و از آن پس، تحت تربيت مادرش قرار گرفت. اديسون از كودكي به آزمائش و تحقيق علاقه فراوان داشت به طوري كه در جواني در واگن كوچكي، آزمائشگاه خود را دايير كرد و در آن&rlm;جا دست به انتشار روزنامه زد. وي در 17 سالگي تلگراف دوسره را اختراع كرد كه بدان وسيله مي&rlm;توان روي يك سيم، از دو طرف مخبره كرد. از آن پس همه وقت خود را صرف آزمائش كرد و از سال 1886م كارخانه و آزمائشگاهي در منزل خود برپا نمود كه چهل و پنج سال باقي عمر را در آن&rlm;جا به كار و تفكر و اختراع پرداخت. اديسون مردي پركار و كم&rlm;خواب بود و چون از كار روزانه فارغ مي&rlm;شد، مطالعات علمي خود را درباره برق دنبال مي&rlm;کرد. او اختراعات فراواني به ثبت رساند اما مهم&rlm;ترين اختراع اديسون، چراغ برق بود. وي در اين راه هرگز نااميد نشد و سرانجام پس از ده هزار بار آزمائش براي ذخيره برق در باتري، به نتيجه مطلوب رسيد. از ديگر اختراعات وي، ميكروفون، ضبط صوت، گرامافون، لامپ الكتريكي نور سفيد، دينام برقي، لوكوموتيو برقي، دستگاه انتقال برق، فيلم و دوربين فيلم&rlm;برداري، و دستگاه ذخيره برق و قابل ذكرند. اديسون علاوه بر آن، اختراعات ديگران هم&rlm;چون تلفن، ماشين تحرير، سينما و ژنراتورهاي برقي را نيز تكميل كرد. از اين مخترع شهير كه در اواخر عمر از ناشنوايي در رنج بود، بيش از 1300 اختراع به ثبت رسیده كه موارد ثبت نشده، بيشتر است. وي سرانجام در 18 اكتوبر 1931م در 84 سالگي درگذشت.

درگذشت "رنه دکارت" فيلسوف و رياضي&rlm;دان معروف فرانسوي (1650م)

رنه دکارت فيلسوف شهير فرانسوي در 31 مارس 1596م، در فرانسه به دنيا آمد. وي پس از طي تحصيلات مقدماتي، به فراگيري علوم رياضي و طب مشغول شد و پس از چندي وارد خدمت نظام گرديد. دکارت به زودي از زندگي نظامي خسته شد و در 24 سالگي آن را رها نمود. وي در اين زمان تصميم گرفت كه در زندگي هيچ سؤالي را بي&rlm;جواب نگذارد و درباره مسائل، تفكر كند. از اين رو به رياضيات و هندسه روي آورد و توانست قانون انكسار يا شكست نور را كشف كند. دکارت سپس خود را وقف مطالعه در فلسفه كرد. از كشوري به كشور ديگر رفت، كتاب&rlm;ها خواند و يادداشت&rlm;هاي بسيار برداشت تا آنكه در سي و سه سالگي در هلند رحل اقامت افكند. كارهاي علمي دکارت از اين هنگام آغاز شد. وي در ابتدا رساله فلسفي جهان را نگاشت ولي چون پس از اتمام آن، از محكوميت گاليله در ايتاليا اطلاع يافت، احتياط كرد و از نشر آن احتراز نمود. اما آن&rlm;چه نخست سبب شهرت وي گرديد مجموعه رساله&rlm;هايي مشتمل بر تفكرات فلسفي بود. فلسفه او سيري بود از شك كامل به ايمان كامل؛ هرچند در اين ميان، نوعي رياضيات عمومي به وجود آورد كه حساب و جبر و هندسه در آن داراي نقش بيشتري باشند. دکارت معلوماتي را علم مي&rlm;دانست كه مبرهن و يقيني باشند و به همين دليل، رياضيات را نمونه كامل علم مي&rlm;شمرد و مي&rlm;خواست روش رياضيات را در همه رشته&rlm;هاي علوم انساني به كار برد. از اين روست كه روش&rlm;شناسي دکارت كه وجهه اصلي فلسفه اوست، ناشي از همين اندیشه مي&rlm;باشد. وي در اندیشه برپايي انقلاب بود، اما براي ايمان قصري ساخت كه مصالح آن را شك و ترديد تشكيل مي&rlm;داد. دکارت بر اين عقیده بود كه فرد براي وصول به حقيقت، بايد يك&rlm;بار در زندگي، خويشتن را از همه عقايد كه پذيرفته است خلاص كند و از نو و از اساس، همه دستگاه&rlm;هاي معارف خود را بنيان نهد. از اين جهت دکارت روش فلاسفه نقلي را به يك&rlm;سو نهاد و بنا را بر اين نهاد كه در همه چيز شك كند. وي معتقد بود كه هيچ چيز را نبايد واقعيت دانست مگر آن كه به اثبات برسد. بايد از دروازه شك وارد شد. بنابر اين مي&rlm;گفت: يك چيز هست كه نمي&rlm;توان در آن شك كرد و آن اين است كه شك مي&rlm;كنم. چون شك مي&rlm;كنم، فكر دارم و مي&rlm;اندیشم، و چون مي&rlm;اندیشم، پس هستم. وي هم&rlm;چنين اعتقاد داشت كه هر چه را عقل روشن و متمايز دريابد، حق است. سپس به وجود مي&rlm;پردازد و مي&rlm;گويد: چون خدا كامل است، بنابر اين منشاء همه كمالاتي است كه تصوري از آنها دارم و از سوي ديگر آن&rlm;چه را كامل است مي&rlm;توان به خدا نسبت داد. ذهن متفكر را فريب نمي&rlm;دهد، پس تصورات روشن و متمايزي كه خداوند در ذهن ما نهاده است حق است. تأثير دکارت در فلسفه بيش از حد است و اغلب، او را پدر فلسفه جديد مي&rlm;خوانند، ولي در سال&rlm;هاي اخير، بعضي از محققين با ارائه دلایلي، اهميت او را مورد ترديد قرار داده&rlm;اند. رنه دکارت سرانجام در 11 فوريه 1650م در 54 سالگي در استكهلم سوئد درگذشت.